

فلسطین - اسرائیل

«نقشه راه» صلح خاور میانه، گامی دیگر بسوی جنگ و تروریسم



«نقشه راه» توافق بر سر دولتی بدون مرزهای مشخص و حاکمیت ملی

در روز دهم اردیبهشت سرانجام و با گذشت تقریباً یکسال از توافق روی طرح موسوم به «نقشه راه» صلح خاور میانه در بین قدرتهای جهانی (آمریکا ، روسیه ، اتحادیه اروپا و سازمان ملل) طرح مزبور به آریل شارون نخست وزیر اسرائیل و محمود عباس نخست وزیر دولت خودگردان فلسطینی، تسلیم گشت.

بنا به گزارشات مبسوطی که رسانه های خبری رسمی حول طرح صلح ن«قشه راه» داده اند، طرح مزبور شامل سه فاز و مرحله میباشد. در فاز اول که گویا باید تا ابتدای ژوئن 2003 تداوم یابد، قرار است تا خشونت به صورت نامشروط یا به زبان دیگر، بدون قید و شرط از هر دو طرف خاتمه داده شود. در مرحله دوم که از ژوئن تا دسامبر 2003 ادامه خواهد داشت قرار است تا در پی انتخابات فلسطین، یک کنفرانس بین المللی برای «ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی با مرزهای موقت» در سال 2003 برگزار گردد.

فاز سوم طرح «نقشه راه» که گویا میبایست تا سال 2005 تداوم یابد، شامل «تحکیم روند فرم و ایجاد ساختارهای فلسطینی و سرانجام مذاکره دو دولت اسرائیل و فلسطین برای حصول موافقتنامه و عادی شدن روابط اسرائیل و کشورهای عربی خواهد بود.

طرح «نقشه» راه صلح خاور میانه سومین اقدام قدرتهای سرمایه داری طی دو سال اخیر بمنظور مهار مناقشات میان اسرائیل و فلسطین است. پیشتر طرح موسوم به گزارش میچل تدوین شد که از همان ابتدا موفقیتی در بر نداشت. سپس رئیس سازمان سیا، «جورج تنت» در خرداد ماه سال 1380 به میان آمد. اکنون نیز طرح جدید «نقشه راه» با همکاری دیگر قدرتهای جهانی به اجرا گذاشته میشود.

این طرح به رغم قبول ضمنی راه حل دو کشور، چیزی در باره حدود و ثغور محدوده دو کشور نگفته است. از همین رو نیز روشن نیست که کشور فلسطینی مورد نظر طرح «نقشه راه» در کجا و چگونه ایجاد خواهد شد. با توجه به این که در حال حاضر کرانه غربی بصورت سه منطقه مجزا و تحت کنترل شهرک‌های یهودی نشین است، روشن نیست که عبارت «فلسطین و مرزهای موقت» کدام موقعیت جغرافیایی را مد نظر دارد. این بدین معنی است که طرح مزبور سخن از کشوری میراند که دارای مرزهای مشخص نیست. به زبان حقوق بین الملل در علوم سیاسی، سخن از دولتی است بدون سروری ملی، بدون تسلط کامل بر مرزهای ملی و از این دریچه بدون قوای منظم و مسلح جهت دفاع از مرزهایی که حد و حدود سروری ملی یا حاکمیت کامل یک دولت را (ملت) را تعیین میکند.

بدین ترتیب عبارت دولت فلسطین و مرزهای آن در طرح با توجه به وضعیت کرانه باختری و غزه، محدودیت‌های برای سیاست اشغالگرانه اسرائیل تعیین میکند ضمن اینکه دست دولت اسرائیل همچنان برای تغییر نقشه باز گذاشته شده است. در این معنا سخن از دولت و مرز بدانگونه که در طرح مزبور فورمولبندی شده بنا به عرف و قوانین سرمایه‌داری جهانی و دولت‌های و حقوق بین الملل از زاویه علوم سیاسی و مفهوم ملت – دولت، طرحی گنگ، نامفهوم و غیر مشخص است. افزون بر آن اگر این حدود و ثغور جغرافیای سیاسی و حاکمیت دولت مشخص می بود، عدم برخورداری «دولت مورد نظر یا مفروض» از نیروی مسلح و مقتدر جهت اعمال حاکمیت «ملی» یا سروری سیاسی، هنوز بیانگر یک طرح قابل اجرا نیست.

«نقشه راه»، طرحی برای تروریسم و جنگهای آتی

این نکات به اشکال مختلفی از طرف کارشناسان دستگاههای سیاسی و مشاوران علوم سیاسی به اشکال مختلف مورد اشاره قرار گرفته و از نگرش علمی و طبقاتی، جز خرده گیری بورژوازی و حقوقی به طرح «راه نقشه» نیست. آنچه از

نظرگاه علمی و مارکسیستی باید در این باره بیان شود عبارت است از ناتوانی قدرتهای جهانی در تعیین دول ملی جدید در غیاب جنگهای گسترده ای که تغییرات جغرافیای سیاسی را به زور نیروهای مسلح و کشتار عمومی ممکن میسازد.

هدف اصلی همه جنبش های ملی، تعیین یک دولت بورژوایی است. جنبش ملی فلسطین یا بدانگونه که در ادبیات جناح چپ و مارکسیسم های بورژوایی از آن نام میبرند، جنبش خلق فلسطین، همانند دیگر جنبش های ملی در پی ایجاد یک دولت فلسطینی است. امری که به ناگزیر باید مورد توافق قدرت غربی و بورژوازی عرب و نهادهای بین المللی سرمایه باشد. طرح نقشه راه البته که حمایت قدرتهای اصلی جهانی را بدست آورده است. این طرح اما قادر به جلب رضایت بورژوازی عرب نخواهد بود. افزون بر آن روند وقایع حاکی از آن است که فضای سیاسی حاکم بر جهان بعد از اشغال نظامی عراق توسط آمریکا زمینه را برای تروریسم دولتی و جنگ های نیابتی میان دول منطقه و حتی قدرتهای جهانی بر سر مناطق و و بازارها بیش از پیش فراهم ساخته است.

طرح «نقشه راه» نه بدنبال صلح است و نه طرحی برای ایجاد یک دولت جدید فلسطینی. این طرح را باید جزئی از استراتژی جنگی آمریکا برا تسلط کامل بر خاور میانه و از این مجرا تحکیم سلطه اسرائیل بر منطقه و ایجاد دولت های دست نشانده یا تداوم سلطه آمریکا و غرب در منطقه، ایجاد پایگاه های نظامی و حتی اعمال بیشتر فشار به کشورهای «سرکش» نظیر سوریه و ایران به منظور کنترل کامل بازارهای نفتی تلقی کرد. نقشه راه گام دیگری است بسوی تروریسم دولتی و از این مجرا تقویت تروریسم گروهی و غیر دولتی. این طرح در بهترین حالت تداوم تروریسم دولتی و غیر دولتی است که در نهایت گرمی بازار سلاح و پیشبرد استراتژی جنگی آمریکا در منطقه خاور میانه را تضمین میکند.

هدف دیگر آمریکا خلع سلاح سیاسی اتحادیه اروپا است که میکوشد تا با اتخاذ سیاست حمایت محتاطانه از بخش بورژوازی اسلامی و از جمله فلسطین نقوذ خود در منطقه را گسترش دهد. روندی که در صورت موفقیت قدرت گیری اتحادیه اروپا و قطب بندی جهانی سرمایه را تسریع خواهد کرد.

توافق قدرتهای جهانی حول طرح مزبور بیانگر عقب نشینی های نسبی دیپلماتیک هر یک از آنها برای دست یابی به توافق موقت بوده است. «نقشه راه» نه راه حل

مسئله فلسطین، بلکه توافقنامه قدرتهای جهانی و تعیین چارچوب سیاسی رقابت های آتی حول مسئله فلسطین برای جلب بورژوازی عرب بسوی خویش است.

ترجمان عملی این توافق دیپلماتیک را توازن قوای این قدرت ها در کشمکش های نظامی و سیاسی آتی روشن خواهد کرد. تلاش برای صلح و مبارزه با تروریسم اسم رمز در انحصار گرفتن سلاح و ابزارهای پیشرفته جنگی است. در شرایطی که بحران سرمایه داری هر روز گوشه ای از جهان را به درون شعله های خاتمانسوز جنگ میکشد، سازماندهان این نظم جهانی بیش از پیش فریاد صلح سر میدهند .

توضیح ناشر: مقاله حاضر برای اولین بار در ماه جون سال ۲۰۰۳ در نشریه مبارزه طبقاتی منتشر گشت. نسخه دوم این نوشتار همراه با اصلاحاتی در سال ۲۰۰۶ در یکی از سایتهای «تکا» تجدید چاپ شد. متن حاضر نسخه اصلاح شده در چاپ دوم است .